

عمل زیبایی و جراحی پلاستیک در ساحت فقه*

طیبه بلوردی**

حسین صابری***

چکیده

میل به زیبایی و جمالبه اقتضای فطرت در سرشت انسان نهادینه شده است. علی‌رغم تأکید شریعت اسلام بر آراستگی و زیبایی و تشویق بر انجام آن، حدود و شرایطی نیز برای آن در نظر گرفته شده است. یکی از مسائل نوپیدا در عرصه زیبایی، عمل‌های زیبایی و جراحی پلاستیک است. با توجه به خاستگاه دینی جامعه، این نوشتار واکاوی این عملدر فقه، مشروعیت آن از منظر نصوص و ادله شرعی و مستندات متون فقهی و اثرات اجتماعی و روانی آن را مد نظر دارد. بدین منظور به بررسی ادله معتقدان به جواز و غیر جواز جراحی پلاستیک پرداخته و در نهایت بیان می‌شود که عمل‌های زیبایی در صورت ضرورت جایز خواهد بود.

کلید واژه‌ها: جراحی زیبایی در فقه، عمل زیبایی، جراحی زیبایی، جراحی

پلاستیک.

*. تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۹/۲۰ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۴/۱۲/۱۴

** . عضو هیئت علمی گروه معارف دانشگاه آزاد اسلامی واحد سیرجان/ t_balvardi90@yahoo.com

*** . عضو هیئت علمی دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد/ h.saberi66@gmail.com



۱. بیان مسئله

دنیایی که در آن به سر می‌بریم، جهان تغییر و تحولات اساسی است. با تحول سنت و سست شدن شالوده‌ها و ساختارهای سنتی حاکم بر جامعه، چشم‌انداز تازه‌ای در زندگی انسان روی داده که ضمن دگرگونی‌های اجتماعی، زمینه‌های دینی، فرهنگی، اجتماعی و تمام حوزه‌های زندگی بشری و ابعاد وجودی انسانی را تحت تأثیر قرار داده است. بنابراین، در هر عصری مسائل جدیدی مطرح می‌شود که هیچ‌گونه سابقه‌ای از آنها به چشم نمی‌آید یا ممکن است موضوعات دوران قبل، بر اثر تحولات به موضوعات جدیدی تبدیل شوند به طوری که حکم دیگری برای آنها انتظار رود.

انسان به طور طبیعی به زیبایی میل دارد و سرشت وجودی وی، او را به سوی زینت و زیبایی دوستی و آرایش ظاهر سوق می‌دهد. به واقع بشر به آراستگی و زیبایی‌ها لحاظ جنبه زیبایی‌گرایانه و تقویت بعد کمال‌گرایانه خویشتمایل دارد. اگر چه در طول تاریخ، خودآرایی، آرایش و زیبایی مقام خاصی در زندگی انسان داشته، با این وجود ملاک‌های زیبایی در اعصار گوناگون متنوع و متفاوت بوده است. طرح این موارد از آن جهت ضروری است که انسان همواره در سعی و تلاش است تا خود را نیکو و موجه بنمایاند و زندگی خویش را از آراستگی و پیراستگی مناسب برخوردار سازد. از این‌رو در شرایط کنونی، زیبایی با هماهنگی اجزای صورت با یکدیگر و تناسب اندام مفهوم پیدا کرده است، لذا می‌توان با کمک روش‌ها و ابزارهای مختلف، ناهماهنگی و عدم تناسب بین چهره و اندام بدن را با جراحی پلاستیک و عمل زیبایی برطرف نمود.

بنابراین، بررسی مسئله فوق با توجه به گسترش روز افزون آن در جامعه، واکاوی فقهی آن را در نصوص دینی و مستندات فقهی حایز اهمیت نموده است، چرا که این موضوع می‌تواند در جهت پویا نمودن فقه و حقوق مثمر ثمر واقع شود. همچنین، از آنجایی که بررسی انجام شده بیانگر این است که تاکنون جنبه فقهی این موضوع پرداخته نشده است، روشن است که این مسئله نیاز به بررسی عمیق دارد. از این‌رو، در این پژوهش در پی آنیم براساس منابع نظری و فقهی به توصیف و تبیین این مسئله نوپیدا و به شناسایی مستندات فقهی و جستجوی جواز و عدم جواز عمل‌های زیبایی، جراحی‌های پلاستیک و پروتز بپردازیم.

۲. عمل زیبایی و جراحی پلاستیک

انسان‌ها موجوداتی اجتماعی‌اند و هر یک از آنها به عنوان افراد جامعه، همواره توسط دیگران مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. بخش بزرگی از این ارزیابی‌ها براساس ظاهر



و قیافه افراد صورت می‌گیرد. در این نوع ارزیابی‌ها است که عنصر زیبایی و بهره‌مندی از زیبایی به عاملی برای کسب منزلت و برتری در روابط اجتماعی بدل می‌شوند. اهمیت این قضاوت‌ها در مورد زیبایی و ظاهر افراد می‌باشد، به ویژه که زیبایی در طول تاریخ چند هزار ساله بشر یکی از مهم‌ترین ارزش‌ها و امتیازات منزلت در جامعه بوده است. (بابامیری، ۲۰۰: ۱۳۹۰) زیبایی به دو صورت ذاتی و اکتسابی است؛ زیبایی اکتسابی نیز به دو روش پیرایش (کم کردن چیزی برای زیبا نمودن) و آرایش (افزودن چیزی برای زیبا نمودن) حاصل می‌شود. راه‌های گوناگونی برای زیباسازی ظاهر و جلوه دادن آن، از جمله به کارگیری روش‌های جراحی یا استفاده از پروتزهای مختلف و ژل‌ها که در سال‌های اخیر بسیار مرسوم است پیدا شده است. از این رو «تلفیق زیبایی با دستاوردهای صنعتی و پزشکی باعث شده زیبایی دیگر تنها یک مشخصه طبیعی و زیستی نباشد و ویژگی اکتسابی پیدا کند». (خانجانی، ۱۳۹۱: ۲۳۸)

در سال‌های اخیر، صنعت جراحی‌های زیبایی همواره تلاش می‌کند که ابعاد بازار خود را گسترش دهد. صاف کردن پوست صورت و تغییر دادن قیافه به وسیله عمل جراحی از چند سال پیش مد شده است. اولین مراحل شروع جراحی زیبایی به سال‌های پس از جنگ جهانی اول بر می‌گردد. در چند سال اخیر شاخه پزشکی ترمیمی که در گذشته برای اصلاح اندام‌های سوخته و یا ناقص مورد استفاده قرار می‌گرفت، فعالیت خود را در حوزه جراحی زیبایی گسترش داده و عمل‌های جراحی زیبایی با رشد چشم‌گیری مواجه است.

جوانان به ویژه زنان و دختران به انجام آن تمایل بسیار دارند و با تشخیص پزشکان، عمل جراحی فرم دادن و زیبایی سینه‌ها، کوچک و باریک کردن بینی و برجسته کردن گونه‌ها را انجام می‌دهند و با لیفتینگ پوست و ساکشن کردن، چین و چروک صورت را محو می‌کنند. این عمل‌ها با هدف جذاب کردن چهره و تناسب اندام و جوان ماندن انجام می‌شود. به این گونه جراحی‌ها اصطلاحاً پروتز می‌گویند.

هدف اصلی جراحی زیبایی بهبود ظاهری فردی است که دارای ظاهری نابهنجار باشد. زمانی که انسان‌ها در می‌یابند خصوصیات فیزیکی آنها مطابق با هنجارها نیست، ممکن است دچار رنجش شده و جراحی را به عنوان راه حل نهایی در نظر بگیرند. (خانجانی، ۱۳۹۱: ۲۳۸)

۳. احکام فقهی عمل زیبایی

عمل زیبایی و جراحی پلاستیک از موضوعات مستحدثه‌ای است که با علم پزشکی در این حوزه و توسعه آن، علم فقه باید به آن جواب دهد. با وجود آنکه هیچ‌گونه پیشینه‌ای از این موضوع در متون دینی به چشم نمی‌خورد، اما با گسترش دامنه عمل

های جراحی نوین، آنچه اهمیت دارد و مورد توجه است پاسخ به این پرسش است که دیدگاه فقه درباره عمل‌های زیبایی و جراحی پلاستیک چیست؟ از آنجا که در منابع دین، اصطلاحی تحت عنوان عمل زیبایی، جراحی پلاستیک و پروتز وجود ندارد، فقیهان معیار قضاوت را چه می‌دانند؟ تلاش می‌شود در این مقطع از نوشتار، حکم این مسئله و تلقی فقهی آن تحلیل و ارزیابی شود.

۴. اقوال جواز و عدم جواز عمل زیبایی و جراحی پلاستیک

جراحی زیبایی به عملی که هدف از آن شفای بیمار از درد جسمانی نیست، معروف شده و در برابر جراحی‌های درمانی یا عادی قرار می‌گیرد. (صالحی، ۱۳۹۰: ۱۰۱)

جراحی پلاستیک عبارت است از عمل بازسازی، اصلاح و بهبود شکل ظاهری عضوی، مانند بینی و فک. عنوان یاد شده از عناوین جدید است که در بعضی کتب فقهی معاصران و در پاسخ استفتائات از احکام آن سخن گفته‌اند. (شاهرودی، ۱۴۲۶ق، ج ۳: ۶۹)

از آنجا که جراحی زیبایی و جراحی پلاستیک از گفتمان‌های نو پیدا است و بایسته می‌نماید که در شرع اسلام درباره آن حکمی وجود داشته باشد، اختلاف نظرهایی میان فقها وجود دارد. فقیهان شیعه، این موضوع را بررسی کرده و هر یک به فراخور نگاه خویش به اظهار نظر پرداخته و حکم آن را بیان کرده‌اند. فقهای امامیه و اهل تسنن در خصوص شرعی یا غیر شرعی بودن این نوع جراحی‌ها، اختلاف نظر دارند. اقوال مختلفی در این بحث وجود دارد:

الف) عده‌ای از فقها، عمل زیبایی را جایز می‌دانند؛

ب) عده‌ای از فقها، عمل زیبایی و جراحی پلاستیک را مطلقاً حرام می‌دانند.

الف) قائلان به جواز عمل زیبایی و جراحی پلاستیک

از آنجا که عمل جراحی مسئله جدید و به روزی است، فقها در گذشته نسبت به آن هیچ اظهار نظری ندارند. به طور مثال آیت‌الله خویی در *صراط‌النجاه* می‌گوید من نمی‌دانم منظور از عمل زیبایی چیست، ولی اگر مقصود زیبایی ظاهری و حسن منظر است، اشکال ندارد. (خویی، ۱۴۱۶ق، ج ۱: ۳۶۳)

امام خمینی می‌فرماید: عمل جراحی در جهت زیبایی مانعی ندارد. آیت‌الله گلپایگانی هم می‌گوید: در صورتی که غرض عقلایی باشد اشکال ندارد. (حجت، ۱۳۷۵: ۴۴)

برخی از مراجع حاضر نیز عمل زیبایی را جایز می‌دانند. آیت‌الله صانعی معتقد است: جراحی پلاستیک به منظور تأمین زیبایی، فی حد نفسه، مانعی ندارد. (صانعی، ۱۳۸۴: ۴۴)



۴۵) آیت‌الله مکارم شیرازی می‌گوید: در صورتی که جراحی آمیخته با حرام دیگری نباشد، در این صورت اشکال ندارد و جایز است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۴۸۰)

آیت‌الله سیستانی آن را بدون اشکال می‌داند و آیت‌الله فاضل لنکرانی می‌گوید: مانعی ندارد اگر چه احتیاط در ترک آن است. آیت‌الله صافی گلپایگانی نیز می‌گوید، اگر غرض عقلایی در بین باشد اشکال ندارد. آیت‌الله تبریزی می‌نویسد: اگر این کار با استفاده از اجزای بدن خود بوده باشد یا عمل جراحی در باطن انجام گیرد به طوری که پوست بدن خود آن را بپوشاند مانعی ندارد. (محمودی، ۱۳۸۱: ۱۵۴-۱۵۳)

البته موارد ضروری جراحی پلاستیک از قبیل برطرف نمودن جای زخم، سوختگی، کجی ناشی از شکستگی استخوان بینی، ترمیم ضایعات پوستی بیماری مانند سرطان و پیسی که در ظاهر شخص تغییراتی پدید آورده و یا از لحاظ خلقت دارای عیب جسمی نازیبایی است که در محافل و مجالس توجه مردم بدان جلب می‌شود و شخص به خاطر آن دچار عذاب روحی است یا طبق دستور پزشک، برای رفع برخی عیوب فیزیولوژیکی بینی که سبب مشکلاتی برای دستگاه تنفسی و سینوس‌ها می‌شود، این موارد از باب مداوای بیماری بوده و مثل بقیه اعمال جراحی محسوب می‌شود و جراحی زیبایی در چنین مواردی اشکال ندارد، زیرا هدف برطرف کردن عارضه‌های پوستی، بدنی و یا عیب‌های جسمی است و به قصد تغییر در خلقت الهی صورت نمی‌گیرد. همانگونه که پیامبر اسلام به عرفجه بن اسعد که بینی‌اش قطع شده بود اجازه دادند، برای خود از طلا، بینی بسازد. (www.islamfeqh.com؛ زقیل، www.saaaid.net)

اغلب فقهای اهل سنت، جراحی ترمیمی را خلاف جراحی زیبایی، تغییر در خلقت الهی نمی‌دانند، زیرا مبنای تغییر در جراحی ترمیمی ضرورت و حاجت است. در واقع، در جراحی ترمیمی، قصد تغییر در خلقت الهی وجود ندارد بلکه هدف از بین بردن ضرر بوده و از این رو، امری مباح و مشروع است. (المحامی، ۲۰۱۱م: ۲۰۳) البته در این باره یک نظر بینابین وجود دارد. شیخ محمد صالح بن العثیمین در پاسخ به مسئله جراحی زیبایی، بین نقایص مربوط به پیش از تولد (نقایص کادرزادی) و نقایص پس از تولد (آسیب‌دیدگی‌های ناشی از سوانح و بیماری) قائل به تفکیک شده و اولی را به دلیل تغییر در خلقت الهی حرام و دومی را به دلیل اعاده شکل خلقت مشروع و جایز می‌داند. (حاجی تبار فیروزجایی، ۱۳۹۵: ۸۳) ابراهیم موسی در مقاله خود می‌نویسد، به دلیل نقض کرامت انسانی و ضرورت خودداری از ضرر رساندن به بدن انسان، ناپاک بودن اعضای بریده شده و نهی ضایع کردن گوشت انسان به جای پیوند عضو از روش‌های دیگر درمان پزشکی مثل گذاشتن عضو مصنوعی، جراحی پلاستیک و ترمیم استفاده شود. (ابراهیم موسی، ۱۳۹۱)



ادله معتقدان جواز عمل‌های زیبایی

دلیل اول: جراحی پلاستیک و عمل‌های زیبایی به کمک ابزار پزشکی به شیوه‌ای که امروز متداول است در روایات سابقه‌ای ندارد. در فقه نیز، جزو در عصر حاضر پیشینه برای آن وجود ندارد؛ لیکن در روایتی جواز استفاده مرد از طلا در صورت ضرورت نقل شده که یکی از این موارد استفاده از طلا برای ساخت بینی است. باید یادآور شد که در شرع اسلام، استفاده از طلا برای مرد تحریم شده است: «عن عبد الرحمن بن طرفه أن عَرَفَجَةَ بْنَ سَعْدٍ أُصِيبَ أَنْفُهُ يَوْمَ الْكَلَابِ فَاتَّخَذَ أَنْفًا مِنْ وَرَقٍ فَأَتَتْهُ عَلَيْهِ فَأَمَرَهُ النَّبِيُّ ﷺ أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ ذَهَبٍ؛ عبد الرحمن بن عرفجه بن عرفجه برای ما نقل کرد که پدر بزرگش، عرفجه بن اسعد در روز جنگ کلاب در دوران جاهلیت بینی خود را از دست داد. او برای خود از نقره یک بینی ساخت، ولی بوی بدی از آن صادر می‌شد. این قضیه را خدمت پیامبر ﷺ عرض کرد، پیامبر به او امر کرد که از طلا بینی بسازد». مجلسی، ۱۳۶۴: ج ۳: ۵۵۲: ۸۰: ۲۳۲

این روایت در منابع اهل سنت مانند سنن ابی داوود (ابی داود، بی‌تا، ج ۲: ۲۹۷) و سنن نسائی (سیوطی، ۱۳۸۴، ج ۸: ۱۶۴) ذکر شده است. از میان راویان و شارحان کتب لغت نیز زمخشری در الفائق (زمخشری، ۱۳۱۷، ج ۳: ۱۶۷) و در النهایه (ابن اثیر، بی‌تا، ج ۵: ۱۷۵) هم به آن پرداخته‌اند.

همچنین شیخ طوسی در الخلاف (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۸۹)، طبرسی در المؤلف من المختلف (طبرسی، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۲۹۰) علامه حلی در تذکره الفقهاء (حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۲: ۲۳۱) و نیز در منتهی المطلب (حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۳: ۳۳۰)، شهید اول در

۱- طلا دارای میل ترکیبی بسیار پایینی است به همین سبب اکسیده نشده و زنگ نمی‌زند و در مقابل اسیدها و بازها مقاومت می‌کند و این برخلاف «نقره» است که در محیط‌های گوگردی سریع واکنش نشان می‌دهد. از این رو پیامبر ﷺ به آن شخص پیشنهاد دادند تا پروتز بینی خود را با طلا انجام دهد تا به مخاط بینی واکنش نشان ندهد. همچنین «در مورد استفاده از فلز طلا باید گفت با توجه به ظرافت و قابلیت شکل‌گیری بالای طلا، مقاومت آن در مقابل رطوبت، مناسب بودن آن در ساخت پروتزهای دندان و اعضای مصنوعی و پوشش در این موارد؛ چنین استفاده‌ای موضوعاً خارج از مدلول روایات بوده و منعی از جانب شرع نداشته و جایز می‌باشد. به خصوص اگر طلای استفاده شده در این اعضا، با پوشش پلاستیکی هماهنگ با رنگ بدن می‌شود و جنس آنها معلوم نیست تا زینت به حساب آید. (میرهاشمی،

ذکرری (ش—هیداول، ۱۴۱۹ق، ج ۱: ۱۴۷))، حسینی عاملی در *مفتاح‌الکرامه* (حسینی عاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۲: ۱۳۲) محقق سبزواری در *ذخیره‌المعاد* (محقق سبزواری، ۱۳۴۷ق، ج ۱: ۱۷۵) و صاحب جواهر (نجفی، ۱۴۱۲ق، ج ۳: ۵۱۷) به آن استناد کرده‌اند؛ البته به عنوان جواز استفاده مرد از طلا در صورت حاجت و نیاز. همچنین در کتب روایی شیعه از قبیل *بحار‌الانوار* هم این روایت بیان شده است. (مجلسی، ۱۳۶۴، ج ۶: ۵۵۲ و ج ۸۰: ۲۳۲)

این روایت می‌تواند بیانگر این مطلب باشد که مسلمانان در صدر اسلام و دوره حیات نبی مکرم اسلام با جراحی زیبایی و پروتز آشنا بوده‌اند و در موارد لزوم، جراحی زیبایی بینی انجام می‌داده‌اند، هر چند روش کار آنها به سبک امروز نبوده است. این روایت، مدرک تاریخی و نمونه‌ای کهن از پروتز یا عمل زیبایی اندام و به عبارتی عمل زیبایی بینی در صدر اسلام است. با این بیان، فردی که بینی خود را از دست داده بود، قاعدتاً صورت و ظاهر مناسبی نداشته که این مسأله سبب ناراحتی و رنجش او در بین مردم می‌شده است، از این رو پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دستور دادند، از طلا برای خود بینی بسازد تا ظاهر مناسب‌تری داشته باشد و عیب و نقص خویش را به نوعی برطرف سازد.

دلیل دوم: اگر عمل زیبایی، به لحاظ وجوب و حفظ سلامتی برای فرد باشد، ضروری خواهد بود، زیرا تعلل یا کوتاهی در حفظ سلامتی از گناهان کبیره و ناسپاسی حق تعالی شمرده می‌شود. بنابراین بر هر انسانی (اعم از بیمار یا اطرافیان و پزشکان) لازم است که در حفظ سلامت و تندرستی خود و اطرافیان کوشا باشند؛ لذا در صورت بروز مشکل یا عیب در یکی از اعضای بدن که خللی در آن وارد شده و از کار افتاده یا قطع شده باشد، جراحی پلاستیک لازم می‌آید که به چند شکل صورت می‌گیرد:

۱. پیوند اشیا خارجی به انسان؛ در طول تاریخ، انسان‌ها به دلایل مختلف اعضای بدن خود را مثل دست، بینی، دندان یا اعضای ظاهری بدن از دست می‌دادند و برای جبران فقدان این اعضا به استفاده از پروتز و اعضای مصنوعی که از چوب یا فلزات ساخته می‌شد، روی می‌آوردند. (میرهاشمی، ۱۳۸۵: ۴-۳)

۲. به صورت ثابت و جاسازی در بدن بیمار؛ مانند لنز و کریستال‌های مصنوعی برای جاسازی در چشم بیماران. در این حالت هم از نظر شرعی ظاهراً منعی وجود ندارد و مشکلی ایجاد نمی‌کند.

دلیل سوم: استناد به قاعده «الناس مسلطون علی انفسهم»؛ بنای عقلا بر این است که مردم بر تن و اموال خود فی‌الجمله مسلط‌اند. ولایت انسان بر خود و اختیاردار بودن کارهای خود، امری عقلایی است که شارع از آن نهی نکرده است و همین مقدر



ملکیت شخص بر انجام زیبایی و تغییر شکل بدنش کافی است و می‌تواند آن را زیباتر کند و مادامی که منعی به اثبات نرسد، می‌توان گفت که شارع بنای عقلا را امضا کرده است.

فقهها با استناد به این قاعده معتقدند که انسان مالک خویش است و با اذن خداوند در آن تصرف می‌کند.

این مالکیت، هر چند مالکیت تکوینی ذاتی است (یعنی در تحققش به چیزی از وجود انسان، نیازمند نبوده، مقصود از آن سلطنت و اقتداری است که به خودی خود، محدود به چیزی نیست) اما قانونگذار می‌تواند در اعمال آن، محدودیت‌هایی وضع کند. (سادات حسینی، ۱۳۸۸: ۱۷۲)

نقد و بررسی: استناد به قاعده «الناس مسلطون علی انفسهم» در ادله جواز عمل

زیبایی خالی از اشکال نیست. نگارنده بعد از بررسی در متون فقهی و حدیثی امامیه و اهل تسنن نتوانست قاعده‌ای تحت این عنوان بیابد. آنچه در کتب فقهی شیعه و سنی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده، تحت عنوان «الناس مسلطون علی اموالهم» آمده است. شیخ طوسی در *الخلافا* (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۳: ۱۷۷-۱۷۶) علامه در *تذکره* (علامه، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰: ۲۴۷ و ج ۱۶: ۹۲) و محقق حلی در *جامع المقاصد* (محقق کرکی، ۱۴۱۱ق، ج ۳: ۳۸۶) و نیز در *عوالی الالهی* (احسائی، ۱۴۰۵ق، ج ۲: ۱۳۸) این روایت را نقل کرده‌اند.

به نظر می‌رسد این روایت بیشتر در بین علما شهرت پیدا نموده و بعدها در کتب فقهی، جمله‌ای تحت عنوان «الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم» آمده که منبع و سند آن ذکر نشده است؛ البته امروزه در مباحث جواز پیوند اعضا این قاعده بسیار بیان می‌شود. ملاحظه می‌شود، این روایت در منابع فقه اهل تسنن وجود ندارد و در منابع حدیثی شیعه در کتاب *عوالی الالهی* است و در منابع فقهی قدیمی‌ترین از آن در *الخلافا* شیخ طوسی ذکر شده است. شیخ در کتاب *الخلافا* هنگام بحث از جواز یا عدم جواز «اقراض جواری» به اصل تسلیط استناد جسته، می‌فرماید: «و ایضا روی عن النبی صلی الله علیه و آله انه قال: الناس مسلطون علی اموالهم». نقل حدیث در خلافا و اینکه در آثار دیگر شیخ طوسی نیامده نشان دهنده این است که شیخ حدیث را از اهل سنت می‌داند.

دلیل چهارم: اصله البرائت؛ نسبت به جراحی پلاستیک به علت نبودن نص، دلیلی بر حرمت نداریم. از این رو در واقع شک در تکلیف داشته و برای رهایی از سرگردانی به اصل اصله البرائت که مجرای شک در تکلیف است، مراجعه می‌کنیم. به حکم این اصل، به هنگام شک در تکلیف، اگر دلیلی بر حرمت آن نیافتیم، اصل، برائت از حرمت است (الاصل دلیل حیث لا دلیل) پس آن موضوع، مباح و جایز است. از سوی دیگر حدیث رفع مقتضای این اصل عملی جواز و اباحه شرعی است، اگر دلیلی برخلاف آن وجود نداشته باشد.

ادله معتقدان عدم جواز عمل زیبایی و جراحی پلاستیک

اگر هدف اصلی در جراحی فقط زیبایی باشد، نه رفع عیب (چون فرد بعضی از ویژگی‌های چهره خود را نمی‌پسندد) که از مصادیق این نوع جراحی می‌توان به جراحی زیبایی چانه، لب‌ها و پستان‌ها، برداشتن خال و زائده گوشتی یا تغییر شکل بینی سالم به بینی بی‌عیب و نقص و امثال آن است، این نوع جراحی حرام است و جایز نمی‌باشد. فقهای اهل سنت این نوع جراحی را بنابه دلایل که بیان خواهد شد، حرام می‌دانند. (عبدالله زقیل: پیشین)

«اکثر فقها حنفیه، مالکیه، شافعی، حنابله، زیدیه، اباضیه و ظاهریه، معتقد به حرمت عمل زیبایی هستند.» (المحامید، ۲۰۰۵م: ۳۱۷)

اگر عمل زیبایی برای زینت و زیبایی باشد، حرام است؛ اما اگر برای کمک به انجام وظیفه اعضای بدن با دلایل مستند باشد، جایز است... نیز استفاده از چشم مصنوعی حرام است، زیرا نمی‌توان با آن دید و صرفاً جهت زیبایی کار گذاشته می‌شود و نیز کشیدن پوست صورت و بدن، جراحی بینی کج و کوچک کردن غنغب و دوختن دهان برای کوچک کردن آن و علامت زدن جاهای درجسم بدون هدف بیولوژیکی و حیاتی اگر صرفاً برای زیبایی باشد، شرعاً حرام است. (یوسف بدری، نقل از الحسینی، ۲۰۰۸م: ۹۲)

از نظر آیت‌الله بهجت، عمل جراحی و عمل کردن بینی به صرف زیبایی یا دیگر اعضای صورت در رفع عیب، علی‌الاحوط جایز نیست. حکم جراحی پوست را که از نظر طبی لزوم ندارد و فقط برای زیبایی انجام می‌شود، احتیاط در ترک آن می‌دانند. (گرم آبدشتی، ۱۳۸۳: ۶۶)

۱. رفع عن امتی ما لایعلمون... (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۲: ۵۲۹)



دلیل اول: تغییر در خلقت الهی؛ که برانگیخته از هوی و هوس است، چنانکه در قرآن آمده است: «وَلَا ضِلَّيْلَهُمْ وَلَا مَنِيَّةَهُمْ وَلَا مَرْنَهُمْ فَلْيَبْتِكُنْ آذَانَ الْأَنْعَامِ وَلَا مَرْنَهُمْ فَلْيَعْبِرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ؛ و آنان را سخت گمراه و دچار آرزوهای دور و دراز خواهیم کرد و وادارشان می‌کنم تا گوش‌های دام‌ها را شکاف دهند، و وادارشانمی‌کنم تا آفریده خدا را دگرگون سازند» (نساء: ۱۱۹) جمله «فَلْيَعْبِرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ» عام یا مطلق است و شامل هرگونه تغییر خواهد شد. جز تغییرهایی که دلیلی بر جواز آنها داریم و به اصطلاح از این عام، تخصیص خورده‌اند مانند ختنه کردن و ناخن گرفتن و موی سر تراشیدن و... همانگونه که در سایر عموم‌ها و تخصیصات، این برنامه هست. (طبسی نجفی، بی‌تا: ۵۲)

دلیل دوم: در سنت نبوی گروهی از زنان لعنت شده‌اند، از جمله اوصاف‌شان این است: «المتفلجات للحسن، المغيرات خلق الله؛ آنانی که میان دندان‌های‌شان فاصله انداخته و خلقت الهی را تغییر می‌دهند». و پیامبر ﷺ در مورد آن می‌فرماید: «لعن الله الواشمات والمستوشمات والنامصات والمتنصات والمتفلجات للحسن المغيرات خلق الله؛ خداوند زنانی را که خالکوبی می‌کنند و زنانی را که بر بدنشان خالکوبی می‌شود و زنانی را که موی صورت زنان دیگر را می‌زدایند و زنانی را که موی صورتشان زدوده می‌شود، نیز زنانی را که دندان‌های خویش را به خاطر زینت اصلاح می‌کنند (فاصله بین دندان‌ها را باز می‌کند) لعنت می‌کند؛ اینها کسانی هستند که خلقت خدا را تغییر می‌دهند» (قرطبی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۸: ۱۸؛ مسلم نیشابوری، بی‌تا، ج ۶: ۱۶۷-۱۶۶؛ ترمذی، بی‌تا، ج ۴: ۱۹۳ و ۳۱۸)

در این حدیث، پیامبر ﷺ میان زیباطلبی و تغییر خلقت جمع نموده‌اند. این هر دو مفهوم در جراحی زیبایی اندام وجود دارد که شخص به خاطر زیبایی یا افزایش آن اقدام به تغییر خلقت می‌کند. «این روایت و آیه قرآن اشاره به علت نهی بین تغییر خلقت و طلب زیبایی‌داری که هر دو در جراحی زیبایی وجود دارد، پس جراحی زیبایی در این وعده شدید داخل می‌شود، بنابراین انجام جراحی زیبایی جایز نیست» (شبیر، ۱۴۰۹ق: ۶۶-۶۴؛ باجنی: islammessage.com)

این حدیث به نحوی دیگر در منابع حدیثی شیعه هم وارد شده: «لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ النَّامِصَةَ وَ الْمُتَمِصَّةَ وَ الْوَاشِرَةَ وَ الْمُوتِشِرَةَ وَ الْوَاصِلَةَ وَ الْمُسْتَوْصِلَةَ وَ الْوَاشِمَةَ وَ الْمُسْتَوْشِمَةَ». (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق: ۲۴۹)

فقها اهل سنت با استناد به این روایت، جراحی زیبایی را حرام می‌دانند. (الشنقیطی، ۱۴۱۵ق: ۱۹۶-۱۹۳) طبق این حدیث، بریدن و براق کردن، بند انداختن و وصل کردن مو حرام شده است. (ابن عابدین، ۱۳۸۶ق، ج ۲: ۳۷۳؛ فتح الباری، بی تا، ج ۱۰: ۳۷۲)

دلیل سوم: آرایش کردن زن برای پوشاندن زشتی و زیبا نشان دادن وی به منظور فریب خواستگار، تدلیس و حرام است. (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۸: ۸۳) از دیدگاه برخی معاصران اگر عمل زیبایی صرفاً به انگیزه زیبایی صورت گیرد نه رفع نقص و زشتی، به ویژه نوع عارضی آن، مانند زشتی ناشی از سوختگی، در جواز آن اشکال وجود دارد. (خویی، ۱۴۱۶ق، ج ۱: ۵۴۴) این نوع جراحی به‌ویژه در مواردی که چین و چروک صورت برداشته می‌شود، مصداق فریب و نیرنگ بوده که شرعاً حرام است.

دلیل چهارم: این جراحی ضرر رساندن به بدن است و ضرر رساندن به بدن حرام است، زیرا پیامبر ﷺ فرمودند: «لا ضرر و لا ضرار» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۲۰: ۴۷۸) واژه ضرر، مطلق است و ضرر نفس و غیر را شامل می‌شود.

این حدیث پیامبر ﷺ یک قاعده است که بر مبنای آن، هر امری که باعث زیان وارد ساختن به جسم و بدن گردد، استفاده از آن مجاز نیست و باید از روش‌هایی استفاده شود که برای جسم و بدن زیان‌آور نباشد. بنابه اظهارات متخصصان، جراحی زیبایی اندام در بسیاری از موارد نتایج مطلوب را دربر نداشته بلکه پیامدهای ناگوار جسمانی را به همراه دارد، از این رو علمای معاصر، جراحی زیبایی اندام را حرام‌دانسته و جایز نمی‌دانند؛ یعنی شامل موارد دفع ضرر نمی‌شود.

دلیل پنجم: عمل زیبایی اگر برای تفنن، خودنمایی و فخرفروشی صورت گیرد، جایز نمی‌باشد. راه‌های گوناگونی برای خودنمایی و زیباسازی ظاهر و جلوه دادن آن از جمله به کارگیری روش‌های جراحی یا استفاده از پروتزهای مختلف و ژل‌ها که در سال‌های اخیر بسیار مرسوم شده است، پیدا شده است. «خودنمایی یعنی خود را طرف توجه قرار دادن، روی دیگران تأثیر گذاشتن، دیگران را تحریک کردن، کنجکاوی آنها را

۱. رسول خدا ﷺ آرایشگری را که بند می‌اندازد و موها را می‌کند و کسی که بند به صورتش ببندازند و براق کردن دندان‌ها و جرم‌گیری آنها، وصل کردن موی زنی به موی زن دیگر (که موجب بلند یا پریشتم نمودن آن شود) و کسی را که خال‌کوبی کند، لعنت کرده است.



برانگیختن و آنها را سرگرم کردن» (رفعت‌جاه، ۱۴۷: ۱۳۸۶) البته باید توجه داشت، نیاز به خودنمایی در انسان، هم سبب گرایش به انواع آرایش و هم موجب میل به تمایزیابی و... می‌شود (همان: ۱۴۵) خداوند زن را با غریزه تبرج و خودنمایی خلق کرده است، ولی این خودنمایی در حریم و اندازه‌ای مشخص توصیه شده است. در قرآن آمده است: «وَلَا تَبْرَجْنَ تَبْرُجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى؛ مانند روزگار جاهلیت قدیم زینت‌های خود را آشکار مکنید». (احزاب: ۳۳) همچنین در سوره‌ی نور می‌فرماید: «غَيْرَ مُتَّبِعَاتٍ بِزِينَةٍ؛ به شرطی که زینتی را آشکار نکنند». (نور: ۶۰)

دلیل ششم: لمس و نگاه بدن توسط نامحرم اگر صرفاً برای زیبایی باشد و برای معالجه نباشد، ضرورتی ندارد که زیر دست نامحرم قرار بگیرد. گاهی فرد دچار سوختگی شده و قصد ترمیم دارد، برای معالجه است و چاره‌ای ندارد؛ فرضاً بیمار خانم است و جراح هم مرد است از روی ضرورت و ناچاری زیر دست نامحرم قرار می‌گیرد، اشکالی ندارد اما برای زیبایی اضطراب وجود ندارد.

شیخ طوسی و محقق ثانی، نگاه بدون ضرورت و حاجت به زن بیگانه را جایز نمی‌دانند، چرا که تمام بدن زن، عورت است و برای مرد نگاه به عورت، ممنوع است. (شیخ طوسی، ۱۳۸۸، ج ۴: ۱۶۰؛ محقق ثانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱۲: ۳۲) صاحب جواهر بر این نظر ادعای اجماع کرده است. (نجفی، ج ۱: ۳۸۶)

آیت‌الله سیستانی می‌گوید: «نگاه به ماعدای صورت و دستهای زن نامحرم، از بدن زن و موهای او جایز نیست چه با لذت و ریبه باشد و چه بدون لذت و ریبه». (حسینی سیستانی، ۱۴۱۷ق، ج ۳: ۱۲) کل بدن زن عورت است مگر برای همسر و محارمش به طریق و روش متشرعان در ستر و پوشش و با توجه به دلالت آیه کریمه. نامحرم نباید به بدن و محاسن زن نامحرم نگاه کند مگر در صورت ضرورت.

آیت‌الله خویی نیز با توجه به آیه کریمه «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ» که برخی فقها زینت را به معنای مواضع زینت تفسیر کرده‌اند، می‌گوید: «آیه کریمه دلالت بر وجوب ستر مواضع زینت و حرمت نمایان کردن آنها دارد که حرمت نگاه مرد، به آن موضع ثابت می‌شود». (خویی، ۱۴۱۶ق، ج ۳۲: ۳۶)

۵. نگاه و لمس برای معالجه

اگر جراحی مستلزم عمل حرام باشد حکم آن چیست؟ در اینجا ضرورت دارد که به این مسئله پرداخته شود. آیت‌الله خویی می‌فرماید:

نگاه کردن زن به مرد بنا بر احتیاط واجب حرام است، مگر به صورت و دستها و سر و گردن و قدمها که نگاه زن به این مواضع از بدن مردها به شرطی که به قصد لذت و خوف فتنه نباشد، جایز است. هر چند ترک آن بهتر است. (خوبی، ۱۴۱۶ق: ۲۶۸ - ۲۶۷)

آیت‌الله خامنه‌ای در استفتائات خود درباره لمس کردن و نگاه کردن پزشک در جراحی زیبایی می‌گوید: عمل جراحی و زیبایی، درمان بیماری محسوب نمی‌شود و نگاه کردن و لمس حرام به خاطر آن جایز نیست، مگر در مواردی که برای درمان سوختگی و مانند آن باشد و پزشک مجبور به لمس و نگاه کردن باشد. (مسلمی‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۱۷۳) جواز عمل در درمان سوختگی‌ها و... هر چند مستلزم لمس و نگاه به نامحرم است، به سبب ناچاری و اضطرار امر در برطرف نمودن زشتی ظاهری و نقص خواهد بود.

آیت‌الله مکارم شیرازی می‌گوید: در صورتی که جراحی مستلزم حرامی مانند نظر و لمس نامحرم باشد، تنها در صورت ضرورت، جایز است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱: ۴۸۰/۱). امروزه بسیار اتفاق می‌افتد که یک بیمار زن توسط پزشک مرد معالجه شود و یا بر عکس یک بیمار مرد توسط پزشک زن معالجه شود و گاه پزشک ناچار است برای معالجه به عورت بیمار نگاه کند و یا بر آن دست بگذارد. این مشکل در بیشتر عمل‌های جراحی پیش می‌آید که علاوه بر پزشک مرد جراح، چندین مرد دیگر هم در اتاق عمل حضور دارند و به بدن زن بیمار نگاه می‌کنند یا وقتی بیمار مرد باشد و پزشک جراح زن است، احتمالاً پرستاران زن دیگری هم شاهد عمل هستند و پزشکان مجبورند برای معالجه بر بدن بیمار دست بگذارند و بدن او را نگاه کنند و چاره‌ای هم جز آن نباشد. با در نظر گرفتن این نکته که اکثر پزشکان زن و مرد کشور مسلمان و مقید به احکام فقهی و دینی هستند، نگاه مرد و زن به بدن جنس مخالف حرام است و به تبع آن حرمت لمس بدن شدیدتر خواهد بود.

با توجه به آیه کریمه «غض بصر» و ادله دیگر، نگاه مرد به زن نامحرم چه در حال ضرورت و چه بدون آن حرام است. از طرفی علما و فقها بیان داشته‌اند که نگاه به بدن زن و مرد نامحرم مگر در موارد ضروری جایز نیست و در احادیث مختلف این امر آمده و به پزشکان مرد اجازه می‌دهد، بیماران زن را معاینه و معالجه و حتی جراحی کنند.

شهید ثانی، یک بار نگاه کردن به زن را جایز دانسته است؛ البته بدون آنکه دوباره نگاهش را تکرار کند، جز در صورت ضرورت و نیاز مانند شهادت دادن علیه زن، معالجه و درمان و غیره که مرد می‌تواند نگاه به زن را اعاده کند. (شهید ثانی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۲۹۲)

از موارد جواز نگاه، زمانی است که هرگاه کسی ناچار شود در مقام معالجه نگاه کند و راهی جز نگاه نباشد. همچنین در صورتی که حفظ جان انسان محترم برای دفع خطر مبتنی بر نگاه کردن باشد، به دلیل آیه کریمه «وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» اشکال نداشته و بر طیب نگاه واجب خواهد بود. همچنین بر اساس نبوی شریف: «لاضرر و لا ضرار»، هر ضرری که انسان را فرا بگیرد فرار از آن واجب است که در اینجا، نگاه برای معالجه و نجات انسان است، (حسینی شیرازی، بی تا، ج ۴: ۹۷) زیرا در اسلام حفظ جان انسان همیشه و همه جا مقدم و راجح بر امور است.

از امام محمد باقر علیه السلام سؤال شد: در بدن زنی، بیماری به وجود آمده آیا مرد می تواند او را معالجه کند؟ فرمودند: اگر بدین امر مضطر باشد جایز است او را معالجه کند. (نوری، ۱۳۸۳، ج ۱: ۵۵۸)

محقق ثانی در جواز نگاه، ترس از بین رفتن عضو و شدت بیماری را شرط نمی داند، بلکه در مشقت افتادن با ترک معالجه را برای جواز نگاه کافی دانسته و اضافه کرده است، بهتر است معالجه نامحرم ممنوع باشد. (محقق ثانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱۲: ۳۴) در صورت امکان اکتفا به یکی از دو مورد، لمس یا نگاه، همان یکی کافی خواهد بود، فعل دیگر جایز نیست. (حسینی سیستانی، ۱۴۱۷ق، ج ۳: ۱۳)

مراد از ضرورت که مجوز انجام چنین جراحی است یا اضطراب است یعنی پزشک ناگزیر باشد برای درمان بیمار خود دست به چنین کاری بزند که در غیر این صورت سلامت وی به خطر می افتد یا دست کم بیمار برای درمان خود به مشقتی (عسر و حرج) مبتلا شود که در شرایط عادی قابل تحمل نباشد. (سادات حسینی، ۱۳۸۸: ۱۸۴)

البته رفع اضطراب توسط هم جنس، مقدم بر غیر هم جنس خواهد بود، اگر مریض مرد باشد. پزشک مرد و زن هم باشد، پزشک مرد مقدم است، به سبب اینکه ادله در حرمت نگاه در هم جنس از یک جهت است و در غیر هم جنس از دو جهت است. (حسینی شیرازی، بی تا، ج ۴: ۹۸)

عمل جراحی زیبایی اگر از مصادیق جراحی زیبایی و برای حفظ جان باشد، لمس و نگاه نامحرم در جراحی اشکال ندارد. انجام دادن جراحی پلاستیک جایز است، هر چند برخی در جواز آن در صورتی که صرفاً برای زیبایی و تغییر چهره اصلی - و نه برطرف کردن نقص و زشتی عارضی همچون سوختگی - انجام گیرد، اشکال کرده اند.

جراحی پلاستیک مداوای مرض محسوب نمی شود، بنابراین، چنانچه همراه لمس یا نظر به نامحرم باشد، جایز نیست؛ مگر در مورد سوختگی و مانند آن که اضطراب به لمس و نظر باشد. (شاهرودی، ۱۴۲۶ق، ج ۳: ۶۹)



در احادیث و فقه اسلامی، نگاه و لمس بدن نامحرم در مواقع ضرورت از جمله معالجه، با ذکر شرایطی از جمله عدم دسترسی به پزشک هم‌جنس و یا کافی نبودن سطح علمی و تخصص اوتجویز شده است، اما بهتر است معالجه از روی لباس انجام گیرد و به نگاه و یا لمس به تنهایی در صورت امکاناکتفا کند، اگر بدون نگاه و لمس معالجه امکان نداشت به حداقل اکتفا کند.

۶. نظر نهایی

باید اشاره کرد که انسان به سبب خصوصیات ممتازش، محور مخلوقات قرار گرفته و آنچه در آسمان و زمین است، مسخر اوست، لذا طبیعت پیرامون انسان نیز به اعتبار مصلحت انسان و نیازهای حیاتی او مورد توجه است. از بدیهیات فقه است که انسان حق دارد از اعضا و جوارح خود به نحو مشروع استفاده کند، ولی ضرر زدن و هلاک کردن جایز نیست. این تسلط، هدیه الهی به آدمی است و چنان که قوانین قراردادی جدید بیان داشته، انسان تسلط ذاتی بر خویش ندارد. به همین منظور این تسلط، در محدوده غیر محرّمات الهی است اما در دامنه محرّمات الهی، آدمی نه بر خویش تسلط دارد و نه بر اعضای خود (أصفی، ۱۳۸۱: ۴۰).

در این بخش از نوشتار به واکاوی و تحلیل برخی ادله ارائه شده از قائلین عدم جواز عمل‌های زیبایی پرداخته می‌شود، اما نظر نهایی (با توجه به تسلط انسان بر اعضای بدن خود) جواز عمل زیبایی در بدن و جراحی پلاستیک به ویژه در شرایط ضروری، به دلایل ذیل است:

۱. آیات قرآن: در استناد به آیه ۱۱۹ سوره نسا، عموم معنای «تبتیک» و «تغییر» قطعاً مراد نیست، بلکه به قسم خاصی از تغییر اشاره دارد که با حيله شیطان باشد و انجام شوند. شاید تغییر در خلقت، خروج انسان از خلقت فطری باشد که خداوند می‌فرماید: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ» (روم: ۳۰) خداوند در این آیه فطرت الهی و تغییر ناپذیر مردم را فطرت توحیدی و پیروی از دین حنیف قرار داده است و خروج از آن که جز به فرمان شیطان نیست، تغییر در فطرت بوده و سبب عذاب جاودان می‌شود (مؤمن قمی، ۱۳۸۲: ۱۰-۹) این آیه در مذمت کسانی بیان شده که به تغییر در خلقت الهی می‌پردازند. راه استدلال به این آیه نیاز به دو مقدمه دارد.

الف) ثابت کنیم که جراحی زیبایی، تغییر دادن خلقت خدا است؛ (در نتیجه طبق آیه از اوامر شیطانی و حرام است)



ب) ثابت کنیم که هر تغییر خلقت حرام و عمل شیطانی است، جز مواردی که با اینکه تغییر دادن خلقت است، طبق ادله دیگر از طرف شارع رخصت بر جواز آنها داریم. این نوع جراحی، از نمونه‌های بارز چنین تغییر است. (طبسی نجفی، ۱۳۶۳: ۵۱)

۲. روایات: نسبت به دلیل قائلین به عدم جواز در اسناد به روایتی از پیامبر ﷺ که فرمودند: «لعن الله الواشمات والمستوشمات والنامصات والمتنمصات والمتفلجات للحسن المغيرات خلق الله» باید اشاره کرد، امروزه اصلاح صورت و برداشتن ابروها و حالت دادن به آنها، در بین زنان برخی جوامع رواج بسیاری یافته است و از موارد مؤثر زیبایی تلقی می‌شود. فقهای مذاهب اربعه بر عدم جواز اصلاح صورت به‌طور عام نظر داده‌اند، مگر اینکه در صورت زن مو برآید و موجب نفرت شوهر گردد، در چنین صورتی جایز است زن به اصلاح صورت اقدام کند (نووی، بی‌تا، ج ۳: ۱۴۱؛ بهوتی، ۱۴۰۲، ج ۱: ۸۱) اما برداشتن ابروها و حالت دادن به آنها به‌طور مطلق جواز ندارد. البته باید توجه داشت برخی افعال و اعمال انسان در مرور زمان تحت تأثیر عرف قرار می‌گیرد و بسیاری از عرف و عاداتی که در بین مردم به وجود می‌آید، در طول زمان متحول شده و مختلف می‌شوند.

بعضی امور، زمانی مورد پسند عقل و مطابق ذوق سلیم و رأی عمومی و به گونه‌ای است که عرف و روش عموم و سیره عقلا بر مبنای آن شکل می‌گیرد. بسیاری از عرف‌ها هم فاسد، قبیح و زیان‌آورند و عقل عملی آنها را نمی‌پذیرد. عقل و شرع تبعیت از تعهدات و قوانین عرفی (مدون و غیر مدون) را تا آنجا که با ضوابط عقلی و شرعی منافات نداشته باشد، مستحسن و صحیح می‌شمارد.

۳. اصله الاباحه: اصل اولیه در شریعت اصله الاباحه است. این اصل هرگونه تصرف انسان را مباح دانسته مگر آنکه منع و حرمت آن ثابت شود؛ پس نمی‌توان هیچ چیزی را بدون دلیل حرام شمرد، همان‌گونه که تجویز چیزی که دلیلی بر حرمتش اقامه شده، ممکن نیست. هنگام شک در مباح یا حرام بودن چیزی، حکم می‌کند که اصل اشیا اباحه است، پس عمل زیبایی مشکوک‌الحکم نیز حکمش اباحه و جواز می‌باشد. مستند این اصل، صحیح‌ه عبدالله بن سنان است که در آن امام علیه السلام می‌فرماید: «كُلُّ شَيْءٍ يَكُونُ فِيهِ حَلَالٌ وَ حَرَامٌ فَهُوَ لَكَ حَلَالٌ أَوْ حَرَامٌ حَتَّى تَعْرِفَ الْحَرَامَ مِنْهُ بِعَيْنِهِ فَتَدَعَهُ» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱۰: ۵۴۱) اصل اولی این است که آرایش و زیبایی مباح است. طبق مفاد روایت، همه چیز محکوم به اباحه و حلیت است مگر اینکه دلیل خاصی بر حرمت و منع از آن رسیده باشد. موضوع عمل زیبایی نیز از جمله موضوعاتی است که دلیل خاصی بر منع آن نرسیده است.



شیخ مفید می‌گوید: پس از استقرار شرایع، حکم آن است که هر چه در آن نصی در منع نباشد آزاد و مطلق است، زیرا شرایع حدود را تعیین و امور ممنوعه را مشخص کرده‌اند؛ بنابراین مابقی آن امور ممنوع نباشد (سادات حسینی، ۱۳۸۸: ۱۷۴) کلمه بعینه قرینه است بر اینکه این روایت اختصاص به شبهات موضوعیه دارد و اما ممکن است با قرینه همان کلمه تأکید قول امام علیه السلام در روایت فوق بر «تَعْرِف» و مفاد روایت، کنایه از وقوف مکلف بر احکام و وقوف علمی باشد که شکی در این باره نرسیده و متبادر از روایت جواز تصرف در حلال مختلط با حرام باشد. (امام خمینی، بی‌تا، ج ۲: ۳۴۰)

کیفیت استدلال به این روایت این است: هر چیز که حلیت و حرمت آن برای شما مشکوک است و نمی‌دانید که واقعاً حلال است یا حرام است، تا زمانی که علم به حرمت آن پیدا کنید در ظاهر برای شما حلال است؛ پس تا علم به حرمت ندارید، حکم حلیت کنید و شیء هم اعم است از موضوع جزئی خارجی از قبیل شرب فلان مایع معین یا موضوع کلی از قبیل استعمال دخانیات در اسلام که حکم کلی آن مجهول است. بنابراین حدیث مذکور هم شبهات موضوعیه را می‌گیرد که منشاء شبهه امور خارجی و مانند آن است و بر حلیت ظاهری مشتبه‌الحرمه دلالت می‌کند و اگر در ظاهر حلال شده است، در ارتکاب آن رخصت یافته‌ایم و اگر هم در واقع حرام بوده فردای قیامت عقاب و مؤاخذه نخواهیم داشت.

۴. اصله البرأه: مقتضای این اصل عملی جواز و اباحه شرعی است، اگر دلیلی خلاف آن وجود نداشته باشد.

۵. قاعدة اضطرار: ممکن است کسی به علل طبیعی و مادرزادی یا غیر طبیعی مثل سوختگی در چهره و بدن که چهره فرد عادتاً قابل تحمل نباشد، دارای نقص یا عضوی در بدن خود باشد تا حدی که در محافل و مجالس توجه مردم بدان جلب می‌شود و از روی ناچاری، مضطر و ناگزیر شود که به عمل زیبایی دست بزند، زیرا شخص به خاطر آن دچار عذاب روحی است.

اضطرار حالتی است که به علت یک واقعه ناشی از طبیعت یا از انسان در شخص به وجود می‌آید و مرتکب در آن حالت برای نجات خود یا دیگران از خطر مهم قریب الوقوعی که به نحو دیگر قابل اجتناب نیست، خویشتن را مجبور به ارتکاب فعل یا ترک فعلی که جرم محسوب است می‌بیند. (حبیب‌زاده، ۱۳۷۵: ۵۶).

نتیجه

با توجه به اینکه مسئله جراحی زیبایی و پلاستیک، جزو مسائل مستحدثه و جدید است، اختلاف نظرهایی میان فقها در حکم آن وجود دارد.



عمل زیبایی در صورت ضرورت باهدف برطرف کردن عارضه‌های پوستی و بدنی و یا عیب‌های جسمی است وقریب به اتفاق اندیشمندان و فقها و مجامع علمی به جواز این عمل حکم داده‌اند. شاید مهم‌ترین دلیل جواز، روایتعرفجه بن اسعدباشدو از بدیهیات فقه است که انسان حق دارد از اعضا و جوارح خود به نحو مشروع استفاده کند، ولی ضرر زدن و هلاک کردن جایز نیست. برخی فقها عمل و جراحی زیبایی را در غیر ضرورت و اینکه از نظر طبی لزومی نداشته و فقط برای زیبایی انجام شود، جایز نمی‌دانند؛البته عمل زیبایی برای تفنن و از روی بوالهوسی جایز نیست. در نهایت، به علت عدم وجود دلیل معتبری بر تحریم عمل و جراحی زیبایی، اصل بر جواز است. چه اینکه مقتضای قاعده اولیه در نبود دلیل بر حرمت،اصاله الاباحه است؛ روایت عرفجه بن اسعد نیز مدعی ما را اثبات خواهد کرد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ:

- قرآن کریم (ترجمه فولادوند)
- آصفی، محمد مهدی (۱۳۸۱)، «پیوند اعضای مردگان مغزی»، فقه اهل بیت علیهم السلام، شماره ۳۱، ص: ۳-۴۴.
- ابراهیم موسی (۱۳۹۱)، نگرش‌های متفاوت به بدن در اخلاق جدید اسلامی، مترجم: جواد قاسمی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین (۱۴۰۵ق)، عوالی اللئالی العزیزه، ج ۲، ج ۱، قم: دارسیدالشهدا علیهم السلام.
- ابن اثیر، مبارک بن محمد (بی تا)، النهایة فی غریب الحدیث والأثر، ج ۱، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۳ق)، معانی الاخبار، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به حوزه علمیه قم.
- _____ (۱۳۶۷)، من لا یحضره الفقیه، ترجمه علی اکبر غفاری و محمد جواد بلاغی، ج ۱، تهران: صدر.
- ابوداود سجستانی، سلیمان بن اشعث (۱۴۱۰ق)، سنن ابی داود، تحقیق و تعلیق: سعید محمد اللحام، ج ۲، قم: منقحه و مفرسه دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع.
- اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ق)، مجمع الفوائد و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان، ج ۸، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- بهوتی، منصور بن یونس (۱۴۰۲ق)، کشف القناع عن متن الاقناع، ج ۱، قم: دارالفکر.
- ترمذی، محمد بن عیسی (۱۴۰۳ق)، سنن الترمذی، بیروت: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع.
- جعفری تبار، حسن (۱۳۷۷)، «آراستن طیبیان قولی در مسئولیت مدنی پزشکان»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۴۱، ص: ۵۵-۸۱.
- حبیب زاده، محمدجعفر (۱۳۷۵)، «خطرار (ضرورت)»، حقوق و قضایی دادگستری، شماره ۱۵، ص: ۵۵-۸۶.



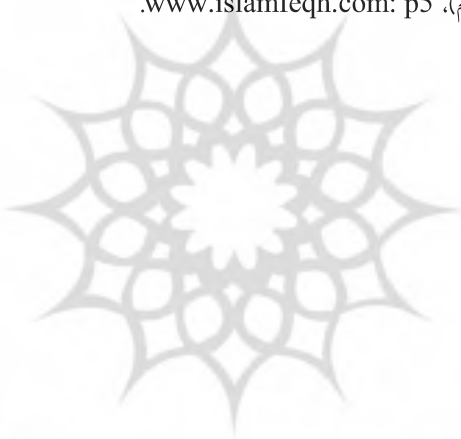
- حجت، هادی و محمدهادی طلعتی (۱۳۷۵)، احکام پزشکان و مشاغل مربوط به پزشکی، ج ۵، قم: بوستان کتاب.
- حسینی سیستانی، سید علی (۱۴۱۷ق)، *منهاج الصالحین*، ج ۳، ۵، قم: مکتب آیت الله العظمی السید السیستانی.
- حسینی شیرازی، سید محمد، *الفقه (کتاب الطهاره)*، ج ۴، قم: دارالقران الحکیم.
- حسینی عاملی، محمد جواد (۱۴۱۹ق)، *مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه*، ج ۲، ج ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- حسینی، محمد (۲۰۰۸م)، *عملیات التجمیل الجراحیه ومشروعیتها الجزائیه بین الشریعه و القانون*، الطبعة الاولى، بیروت: مرکز ابن اریس حلی للدراسات الفقهیه.
- خانجانی، زینب، جلیل باباپور و صبا گزیره (۱۳۹۱)، «بررسی و مقایسه وضعیت روانی و تصویر بدنی متقاضیان جراحی زیبایی با افراد غیر متقاضیان»، *مجله علمی و پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد*، ش ۲، ص: ۲۴۸-۲۳۷.
- خمینی، روح الله، *تهذیب الاصول*، سبحانی تبریزی، جعفر، ج ۲، قم: مهر.
- _____ (۱۳۸۵)، *الرسائل*، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- خوبی، ابوالقاسم (۱۴۱۶ق)، *صراط النجاة (المحشی للخوئی)*، ج ۱، ج ۱، قم: مکتب نشر المنتخب.
- _____ (۱۴۱۸ق)، *مبانی العروه الوثقی*، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی (قدس سره).
- رخشانی، رضا (۱۳۹۱)، «خودآرایی بانوان و چارچوب شرعی آن»، *فصلنامه دینی، فرهنگی، اجتماعی اهل سنت ایران*.
- رفعت جاه، مریم (۱۳۸۶)، «هویت انسانی زن در چالش آرایش و مد»، *کتاب زنان*، سال دهم، شماره ۳۸، ص: ۱۷۹-۱۳۵.
- زمخشری، ابوالقاسم (۱۳۱۷ق)، *الفائق فی غریب الحدیث*، مصحح ابراهیم شمس الدین، ج ۳، ج ۱، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- سادات حسینی، عباس (۱۳۸۸)، «بکر نمایی از منظر فقه پزشکی»، *فصلنامه فقه پزشکی*، سال اول، ش ۱، ص: ۱۶۷-۱۹۰.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۳۴۸ق)، *سنن النسائی الکبری*، ج ۸، ج ۱، بیروت: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع.



- شاهرودی، محمود هاشمی (۱۴۲۶ق)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ج ۳، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.
- شقیطی، محمد بن المختار (۱۴۱۵ق)، احکام الجراحه الطبییه و الآثار المترتب علیها، الطبعة الثانية، جده: المنشورات مکتبه الصحابه.
- شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۹ق)، ذکرى الشيعة فى أحكام الشريعة، ج ۱، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۳۸۰)، الروضة البهیة فى شرح اللمعة الدمشقیة، ج ۱، قم: موسسه اسماعیلیان.
- صالحی، حمید رضا (۱۳۹۰)، «جراحی های زیبایی؛ ضرورت یا زیادت؛ قولی در ماهیت تعهدات جراحان زیبایی»، فصلنامه حقوق پزشکی، سال پنجم، ش ۱۸۶-۹۸.
- صانعی، یوسف (۱۳۸۴)، استفتائات پزشکی (احکام ویژه پزشکان، احکام ویژه بیماران)، ج ۸، قم: انتشارات میثم تمار.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۰ق)، المؤلف من المختلف بین أئمة السلف، ج ۱، ج ۱، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية.
- طبسی نجفی، محمد رضا (۱۳۶۳)، تراش ریش از نظر اسلام، ترجمة محمد محمدی اشتهااردی، ج ۱، قم.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق)، الخلاف، ج ۳، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- _____ (۱۳۸۸)، المبسوط فى فقه الامامیه، ج ۲ و ۴، ج ۲، تهران: المکتبه المرآتویه لأحیاء آثار الجعفریه.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۴ق)، تذکره الفقهاء، ج ۱ و ۲، ج ۱، قم: موسسه آل البيت علیهم السلام.
- _____ (۱۴۰۴ق)، قواعد الاحکام، چاپ افسست، قم: منشورات الراضی.
- _____ (۱۴۱۲ق)، منتهی المطلب فى تحقیق المذهب، ج ۳، ج ۱، مشهد: مجمع البحوث الاسلامی.
- ابن حجر، احمد بن علی (بی تا)، فتح الباری شرح صحیح البخاری، بیروت: دار الفکر.
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۴۰۵ق)، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۸، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ق)، *الکافی*، ج ۱ و ۲ و ۳، ج ۱، قم: دارالحدیث للطباعة و النشر.
- گرم آبدشتی، علیرضا (۱۳۸۳)، *احکام و استفتادات بهداشتی و پزشکی مطابق با فتاوی آیت الله العظمی بهجت*، ج ۴، قم: انتشارات مشهور.
- مجلسی محمد باقر (۱۳۶۴)، *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار* علیهم السلام، ج ۶۳ و ۸۰، ج ۲، تهران: دارالکتاب اسلامی.
- محامی، حسام‌الدین الاحمد (۲۰۱۱م)، *المسئولیه الطبیة فی الجراحة التجمیلیة*، ط ۱، بیروت: المنشورات الحلبي الحقوقیه.
- المحامید، شویش (۲۰۰۵)، *اذن الزوج العمليات التجمیلیة التحسینیة*، علوم الشریعه و القانون، المجلد ۳۲، العدد ۲.
- محسنی قندهاری، محمد آصف (۱۴۱۴ق)، *الفقه و المسائل الطبیة*، ج ۱، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- محقق سبزواری، محمد باقر (۱۲۴۷ق)، *ذخیره المعاد فی شرح الارشاد*، ج ۱، ج ۱، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام.
- محقق کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۱ق)، *جامع المقاصد فی شرح القواعد*، ج ۳، ج ۱، بیروت: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام لاحیاء التراث.
- محمد امین ابن عابدین (۱۳۸۶ق/۱۹۶۶م)، *حاشیه رد المحتار علی الدر المختار*، ط ۲، بیروت: دار الفکر.
- محمد عثمان شبیر (۱۴۰۹ق/۱۹۸۹م)، *أحكام جراحة التجميل فی الفقه الإسلامی*، ط ۱، الكويت: مكتبة الفلاح.
- محمودی، محسن (۱۳۸۱)، *مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید*، ج ۱، ورامین: انتشارات علمی و فرهنگی صاحب الزمان (عج).
- مسلم بن حجاج (بی تا)، *الجامع الصحیح*، بیروت: دار الفکر.
- مسلمی زاده، طاهره (۱۳۸۶)، *رساله توضیح المسائل - محشی امام خمینی (شش مرجع)* همراه با فتاوی آیات عظام، بهجت، خامنه‌ای، سیستانی، صافی گلپایگانی، ج ۶، مشهد: انتشارات هاتف.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۱)، *استفتائات جدید*، تهیه و تنظیم: ابوالقاسم علیان نژادی، ج ۱، ج ۳، قم: انتشارات مدرسه الامام علی بن ابیطالب علیه السلام.
- مؤمن قمی، محمد (۱۳۸۲)، *پیوند اعضا*، مجله فقه اهل بیت، سال ۹، شم ۳۴، ص: ۳-۴۵.

- میرہاشمی، سرور (۱۳۸۵)، «مبانی مشروعیت پیوند/اعضاء»، فقہ و حقوق خانوادہ، ش ۴۴، ص: ۹۰-۱۱۱.
- نجفی، محمد حسن (۱۴۱۲ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۳ و ۱، ج ۱، بیروت: موسسه المرتضیٰ العالمیہ، دارالمورخ العربی.
- نوری طبرسی، حسین بن محمد تقی (۱۳۸۳)، مستدرک الوسائل و مستنط المسائل، ج ۱، تہران: المکتبہ الاسلامیہ/نجف: دارالمکتبہ العلمیہ.
- نووی، یحییٰ بن شرف (۲۰۱۱م)، المجموع شرح المہذب، بیروت: مطبعہ المنیریہ.
- باجنی، الہام بنت عبداللہ (۲۰۰۴م)، حکم عملیات التجمیل التحسینیۃ، islammessage.com: p3
- زقیل، عبداللہ (۱۴۱۲ق)، حکم عملیات جراحۃ التجمیل، www.saaaid.net: p2
- حکم التجمیل (۲۰۰۳م)، www.islamfeqh.com: p5



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی